



به همت شهرآرام محله و با همراهی
دستگاه قضایی صورت گرفت

پایان شلوغی و نابسامانی در پیاده‌روهای مقابل آرامگاه خواجهریج



هم قدم

فرزانه شهامت یک پیاده‌رو است و تمام! آرام، خلوت و تمیز. گه‌گذار عابریانی از پایانه خواجهریج، خارج می‌شوند و در سوز سرمای صبحگاهی، قدم‌زنان، مسیر خود را به سمت مقصدشان، کج می‌کنند. اهالی محله مهر مادر و خواجهریج، سال‌ها آرزوی تماشای این صحنه را داشتند؛ اینکه وقتی از کنار آرامستان خواجهریج رد می‌شوند، اوقاتشان با دیدن دست‌فروشی‌ها، کهنه‌فروشی‌ها، معتادان و متکدیان، تلخ نشود. دوشنبه ۱۴۰۴، می‌تواند شروعی بی‌بازگشت برای تحقق این رؤیا باشد. اگر دستگاه‌های مسئول، همراه و پای کار بمانند، درست مثل امروز.



● جای برای تعلل نیست

جوری جیغ می‌کشد که انگار خبر بدی راشنیده است. بانویی که با گریه و سروصدا، توجه‌ها را به خود جلب کرده، یکی از کسانی است که باید قید دست‌فروشی در پیاده‌روهای اطراف آرامستان را بزند. سختش است چون مثل بقیه بساطی‌ها، بعد از دوده کسب و کار غیررسمی در این محدوده، مایل و حاضر نیست تصمیم جدید را بپذیرد. دستور قاضی عندلیب، معاون دادستان مشهد برای پاک‌سازی این محدوده از حضور دست‌فروشان، به صورت کتبی به دستگاه‌های مسئول ابلاغ شده است؛ از شهرداری منطقه ۳ گرفته تا مرکز بهداشت، سازمان سامان دهی مشاغل شهری شهرداری و کلانتری خواجهریج. نامه‌های قاضی محمد اسماعیل عندلیب در تماس تلفنی او با رؤسای تک‌تک دستگاه‌های یاد شده، به صورت شفاهی و با قید فوریت نیز ابلاغ شده است و این یعنی، هیچ بهانه‌ای برای تعلل در اجرای این تصمیم و تحقق خواسته اهالی، وجود ندارد.

● شرایط ویژه برای غرفه‌داران

کهنه‌فروش‌هایی که با ساک‌های کیسه‌ای و بقیچه‌های زیر بغل، نظاره‌گرواضاع هستند، جرئت اعتراض ندارند. می‌دانند کارشان غیرقانونی است و اگر با حضور مأموران کلانتری خواجهریج، اجناسشان زیر و رو شود، چه بسا جرایمی مثل فروش اموال دزدی هم به فهرست خطاهایشان اضافه شود. شکوه‌ها و گلایه‌ها، بیشتر از سوسو کسانانی است که با مجوز سازمان سامان دهی مشاغل شهری شهرداری مشهد، در غرفه‌های موقت مقابل باغ دوم آرامستان، به فروش انگشت، لباس و این قبیل اجناس، مشغول بوده‌اند. «تصمیمی که برای پاک‌سازی این محدوده گرفته شده است، به نفع صاحبان این غرفه‌ها تمام شد. با مساعدت مدیریت سازمان قرار شده امکان حضور این کسبه در دو بازار به انتخاب خودشان فراهم کنیم؛ یکی شب‌بازار خیابان امت است و دیگری، شب‌بازار هدایت که مقابل بوستان حجاب، از ساعت ۱۶ تا ۲۳ برپا می‌شود.» این‌ها را رضا محمدی، معاون سازمان سامان دهی مشاغل شهری شهرداری مشهد، می‌گوید که به همراه کارشناسانش در محل حضور دارد. جذاب بودن پیشنهاد اورا کسانانی متوجه می‌شوند که ازدحام مشتریان در دو بازار یاد شده را به چشم دیده باشند. البته نرخ اجاره‌ای که از غرفه‌دارهای مقابل آرامگاه خواجهریج گرفته می‌شد، یک چهارم بازارهای هدایت و نبوت است؛ باین حال کسبه می‌توانند بدون پرداخت مابه‌التفاوت این نرخ، از فضای دو بازار یاد شده و امکاناتش مثل انبار، برق رایگان و... استفاده کنند. همراهی از این بیشتر؟!

● کارشناسان، موافق حذف دست‌فروشی

دورهمی کارشناسان دستگاه‌هایی که هر کدام، گوشه‌ای از سامان‌دهی این محدوده را برعهده دارند، دیدن دارد. نیروهای گشت کلانتری خواجهریج با خودرو و لباس رسمی بین جمعیت حضور دارند. نیروهای اطلاعات و عملیات این کلانتری هم زودتر از بقیه، بالباس مبدل خودشان را رسانده‌اند تا مبادا تصمیمی که

برای حذف آسیب‌ها از چهره این مکان زیارتی گرفته شده است، نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. سه خودرو گشت جمع‌آوری متکدیان و آسیب‌دیدگان اجتماعی نیز از راه می‌رسد. خودروهای گشت رفع سد معبر شهرداری منطقه ۳ نیز پای کارند. دو کارشناس مرکز بهداشت را هم به فهرست اضافه کنید. حرف همه‌شان یک چیز است: تصمیم به جمع‌آوری دست‌فروش‌ها از مقابل دریاغ اول و دوم آرامگاه خواجهریج، بجاست؛ چه آن‌ها که مجوز دارند، چه آن‌ها که ندارند.

«قبلاً چند بار مکاتبه کردیم و گفتیم تا وقتی این غرفه‌ها از اینجا جمع نشود، جلو بقیه آسیب‌ها مثل تجمع معتادان، فروش اقام دزدی و اتفاقات دیگری از این دست را نمی‌شود گرفت.» این‌ها را محمد رضا سالاری می‌گوید که چهار سال است در واحد رفع سد معبر شهرداری منطقه ۳، خدمت می‌کند. رضا محمدی، معاون سازمان سامان دهی مشاغل شهری شهرداری مشهد، نیز با او موافق است؛ اینکه وجود این غرفه‌های کم‌رونق از حضور مشتری‌ها، با آن ظاهر نازیبا و اصلاح‌ناپذیر، نه به نفع محله است و نه کاسبانی که واقعا از راه درست، قصد امرار معاش دارند. آن‌هایی که از این فروشنده‌گی ظاهری، به دنبال پوششی برای درآمد‌های ناصواب هستند، تکلیفشان جداست.

● به بهانه دست‌فروشی

«التماس می‌کردند که خاله، ما یتیم هستیم. بابا نداریم. بگذار برویم. گوش من از این حرف‌ها پر است. آن‌ها را سوار ماشین گشت کردم. چند دقیقه نگذشته بود که مردی با مشت شروع کرد به کوبیدن شیشه‌های ماشین.» کارشناس گشت سامان دهی متکدیان، این‌ها را تعریف می‌کند و ادامه می‌دهد: پدرشان بود؛ همان که بچه‌ها مدعی بودند مرده است! خودش و خانمش آن طرف خیابان دست‌فروشی می‌کردند و بچه‌هایشان را فرستاده بودند جلو آرامستان برای گداپی. او اضافه می‌کند: دست‌فروشی‌های اطراف آرامستان، بهانه داده بودند به دست‌گذاها و بچه‌های کار برای اینکه از جاهای مختلف شهر، خودشان را برسانند اینجا برای کاسبی. اگر بساط دست‌فروش‌ها جمع شود، برخورد با این‌ها و قرآن‌خوان‌های بی‌سوادی که فقط چند آیه اول سوره یاسین را بلدند، راحت‌تر می‌شود. کم‌کم هم کاسبی‌هایشان از رونق می‌افتد.

● استمرار نظارت‌ها

تلاش شهرآرام محله مناطق ۳ و ۴ و همراهی معاونت دادستانی مشهد برای اقدام گروهی دستگاه‌های متولی، موجی از شادی و رضایت را میان اهالی محلات مهر مادر، مهر مادر شمالی و خواجهریج ایجاد کرده است. پیام‌های متعدد از سوی شهروندان و اعضای شورای اجتماعی محلات به دستان رسیده است که مضمونی مشترک و از جنس قدرشناسی دارد؛ با چاشنی ناباوری به خاطر رفع آسیبی که برایشان به گریه کور تبدیل شده بود. آن‌ها خواهان استمرار حضور دستگاه‌ها به منظور ناامن کردن این محدوده برای دست‌فروشی و تخلفات پس از آن هستند. شهرآرام محله، تا حصول نتیجه، در کنار مردم و منعکس‌کننده تلاش متولیان خواهد ماند.

